



تیر روز

روحانی: به کارکنان صنعت نفت قول می‌دهم مشکلاتشان حل شود

**کارکنان: ممنون میشیم اگه قولتون به عمر ما قد بده!**

عضو ستاد کرونا: تعداد زیادی از سالمندان در صف‌های واکسیناسیون مبتلا شدند

**یک سالمند: بعید نیست بگن این هم نوعی ایمن‌شدنه!**

افتتاح رصدخانه ملی بدون آینه تلسکوپ

**مسئولان: فعلا نقاشی ستاره می‌کشیم، شمار صدشون کنین!**

دانشمندان: ویروس کرونا ۲۰ هزار سال قبل هم به جان بشر افتاده بود

**مردم: خب پس اگه چند هزار سال صبر کنیم خودش بر طرف میشه!**

علی دایی: ۱۱۱ گل ملی دارم، نه ۱۰۹ تا

**دارکوب: عاشق همین روحیه جنگندگی علی آقا هستیم که کوتاه نمیداد!**

یونان به جوانانی که واکسن بزنند کارت اعتباری ۱۸۰ دلاری می‌دهد

**یک مسئول: عوضش ما هم سالمندان رو توصف واکسن مشت و مال میدیم!**

تذکر وزیر بهداشت به جهانپور در باره توقیت جنجالی

**متن احتمالی تذکر: چرا با کاربرها کل کل می‌کنی دکتر؟ ولشون کن اینارو!**

اصفه‌ای‌ها در هر هفته می‌توانند ۶ کیلوگرم مرغ یا ارائه کارت ملی بخرند

**یک شهروند: با برگر رسید کارت ملی هم مرغ میدین؟!**

کله چغوکی

آق کمال رفیق بازی می‌کند



آق کمال

همه کاره و هیچ کاره

دوست‌های زیادی ندارم. چند نفری از دوران مدرسه برام موندن که هنوز باهاشان در تماشم و هر کدوم به یگور دنیا رفتن و هر از گاهی مگن و خزن بین اینجی، مایم مگم چشم و تو دلمان مخمند که انگار کشکه و خزم برم اونجی! چند نفر از دوران دانشگاه رفیق دژم که گاهی خانوادگی با هم رفت و آمد مکنیم و انقدر از اوضاع کار مگم که اشک مان در میوه و عیال هامان بیزار من از ای که با ما آمدن! یکی دو تا از زمان سربازی برام دوست مانده که هر کی تو یگ شهره و عیدهای نوروز ره به هم تبریک مگم و مره بری عید سال بعد. چند تا دوست هم دژم که سال‌ها پیش اینترنتی باهاشان آشنا شدم و از دوست مجازی تبدیل به رفیق حقیقی شدن. مسودر رفیق اصییم یا همو «بست فرندم» هم که هم محله‌ای بودم از خردویی و تا الان هم دست از سُرْم ور نداشته!

هفته پیش امین، یکی از هم خدمتی‌های سربازیم با عیالش آمدن مشهد. کاملیا خانم اصرار داشت که حتماً یگ شام و ناهاری بیارمشان خانه ولی راستش مترسیدم. خلاصه جاتان خالی بردمشان طریقه. خوشبختانه عیال‌ها در چشم به هم زدنی با هم رفیق رفتن و مایم افتادم به خاطره گفتن از دوران سربازی. نمیدم چی کاریه که پسر افوقش دو سال من سربازی ولی تا آخر عمرشان خاطره درن که از ش تعریف کنن! فکر کنم به مرور زمان نصف خاطره هامان من در آوردی مشه و دگه واقعیت و رویا و آرزو با هم قاطی مرن! نفسش هم خالی بندیه که از زدن تو گوش فرمانده بیگیر تا چرت زدن سرپست و فرار کردن از رژه و تمیز کردن توالتا. یعنی سال‌ها بود که ای جوری نخندیده بودم. امین طبقه بالای تخت تو آسایشگاه بود و مو تخت طبقه پایین. با ذوق و شوق داشتم از خاطرات مگفتم و یادای ماجرا افتادم که یگ کاری که خیلی رسم بود اوزمان، ای بود که نفر پایینی با پاهاش تخته‌های تخت نفر بالایی ره فشار مداد که یارو بترسه! نمیدم با چی عقلی ای کاره مکرمدم؟ یگ بار که داشتم ای کاره مکرمدم چوبای تخت در رفت و امین افتاد پایین و همو لحظه فرمانده رسید! حالا مو و امین داشتم از خنده غش مکرمدم و ای جریان ره تعریف مگرمدم، عیالش با اخم نگاه مکرمدم و کاملیا خانم لبشه مگزمید! یادتان باشه بعضی خاطره‌ها بری خود آدم خویه، لازم نیست همه‌جا تعریف کنیم!

# در حاشیه فروش نوبت واکسن، مدال‌های قهرمانی و... در اینترنت!



کار نویسست: محمد جواد طاهری

## دیکتیوناری

**میلیون** (Milyoon): ۱۰ بسته هزار تایی می‌شود یک میلیون. واحد پول خرد کشور مان. عددی که زمانی بالاترین رقم‌های مد نظر مردم بود، مثلاً در سال‌های گذشته سریالی بود با نام «مرد ۶ میلیون دلاری» که آن سال‌ها با این رقم یک آدم را از نو می‌ساخته‌اند ولی الان با ۶ میلیون می‌توان فقط نصف سکه طلا خرید.

**میلیارد** (Milyard): طبیعتاً هر ۱۰ تا یک میلیون را یک میلیارد می‌گویند که البته صد میلیارد دو هزار میلیارد هم داریم که واحد اختلاس هستند. در گذشته افراد خیلی پولدار را «میلیونر» می‌نامیدند که امروزه به آن‌ها میلیارد در هم دیگر نمی‌گویند، چون قیمت دارایی‌های یک آدم معمولی میلیاردی شده است. نکته جالب این که همه این عددها در معاملات گفته نمی‌شوند ولی مردم می‌فهمند: چپیس ۷ تومن است، پراید ۱۰۰ تومن، خانه ۲ تومن!



**صد** (Sad): به ۱۰ بسته ۱۰ تایی می‌گویند. واحد شمارش انار: «صد دانه یا قوت...» عددی که در گذشته ارج و قرب داشت و مثلاً نام یک نوع گل لوکس در زمان قدیم «گل صد تومانی» بوده است. آن قدر این عدد مهم بوده که مقدار ارزش‌گذاری هر چیزی را بر اساس درصد می‌سنجند: «صدی به نود این پسره یه کاسه‌ای زیر نیم کاسه‌اش هست.» (نورالدین خانزاده، نون‌خ)

**هزار** (Hezar): به ۱۰ تا ۱۰۰ می‌گویند. واحد شمارش مورد علاقه والدین: «هزار بار بهت گفتم این کار رو نکن». همچنین در گذشته اگر نمی‌توانستند چیزی را بشمارند به آن هزار می‌گفتند، مانند تعداد پاهای هزارپا که نهایتاً ممکن است ۷۰۰ تا باشد ولی برایش کلاس می‌گذارند.

تصویر کمتر دیده شده‌ای از یک کنکوری که با دیدن سوال‌ها فرخوره است!



ماهی: داداش صد بار بهت گفتم قبل از این که منو بخوری، سیر نخور... اه اه!



کار نویسست: مسعود ماهینی

فال روز

ای صاحب فال، در فال این هفته‌ات صف می‌بینیم. صف دور و درازی هم هست... آن قدر طولانی است که تهش دیده نمی‌شود و معلوم نیست برای چه در آن ایستاده‌ای. حالا یا صف واکسن است یا ثبت‌نام خودرو یا مرغ یا کارت ملی یا... بالاخره سفت جایزت را بچسب تا از دست ندهی. هل نده!

شعر روز

دوبیتی‌های خبری هفته

تمام افراد جامعه تا پایان سال  
واکسینه می‌شوند  
توپمان پرت سوی اوت نگردهد لطفاً  
جان فدای ملک الموت نگردهد لطفاً!  
واکسن هست اگر، زوده به ملت نزدیک  
نوشداروی پس از فوت نگردهد لطفاً!

✱

آیابیت کوین در لبه پر نگاه است؟  
پریشان حال با موهای وزوز  
دوباره کرده بود او گوشه‌ای کر  
چرایش را که پرسیدم به من گفت  
شده اوضاع «بیت» و «دوج» قرمز!

✱

برای مبارزه با آتش‌سوزی  
بزه‌ها میدان آمدند

بپرسیدم بگو آیا تو داری  
برای دفع آتش راهکاری؟  
بگفتا چاره‌ای دیگر ندیدم  
برای آن به غیر از برباری!

✱

روحانی:

یک نفر نیامد بگوید خسته نباشید  
خسته نباشید از این گرانی بی حد  
خسته نباشید از این تورم ممتد  
یک نفر م! آمده‌ام تا که بپرسیم:  
دولت تدبیر شما کی بشود رد؟

مجید رحمانی صانع

\*\*\*\*\*

## شوخی شاعرانگی

به بهانه بزرگداشت صائب تبریزی  
«با کمال احتیاج از خلق، استغنا خوش است»  
البته نیکو بود هر چه رسد از سوی دوست  
«در زندگی به خواب مکن صرف عمر خویش»  
تفریح و بازی و نت هم ضروری است!  
«به قدر جست و جوروی به دست آید، ز پا منشین»  
سه شیفتش کن تو شغلت را، زیاد و دایم و سنگین  
«بخیه کفشم اگر دندان نما شد عیب نیست»  
دمپایی پایم کنم تا نرخ کفش این گونه است!  
«این ناکسان که فخر به اجداد می‌کنند»  
ارث کلان رسیده به آن‌ها، عجیب نیست!  
«تیر هروزان جهان را به چراغی دریا»  
برفشان رفته و تارپک شده منزل‌شان  
«اظهار عشق را به زبان احتیاج نیست»  
یک جیب و یک حساب پر از پول کافی است!

شیما اثنی عشری

## دیفال



## بست اضطراری

نوع: تکی، جفتی  
قیمت: ده درصد زیر قیمت بازار

## توضیحات:

همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌کنید، سیستم ضد قحطی و قطعی آب و برق، به صورت کاملاً بهداشتی، به صرفه، سنتی و بومی شده، تمام دست‌ساز، مناسب برای این روزها که یا برق می‌رود یا آب قطع می‌شود ۱۰۰ درصد تضمینی، بدون قطعی مخصوص نوستالژی‌بازهایی که در خاطرات گذشته سیر می‌کنند، با پشتیبانی ۲۴ ساعته، خدمات پس از فروش و ضمانت‌نامه مادام‌العمر